

## تعیین رابطه کارکرد خانواده و هوش هیجانی با اضطراب دانش آموزان

دکتر مژگان سپاه منصور\*

دکتر مهدی دوائی\*\*

شمسی محمدی\*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه کارکرد خانواده و هوش هیجانی با اضطراب دانش آموزان مونث دوره سوم دبیرستان بود. در این پژوهش همبستگی از جامعه مذکور، ۲۵۲ نفر به شیوه تصادفی خوشه ای انتخاب و به وسیله پرسش نامه های کارکرد خانواده (FAD)، هوش هیجانی (EQ-I) و اضطراب (BAI) مورد آزمون قرار گرفتند. پس از اینکه داده ها جمع آوری شد با استفاده از آمار توصیفی ( فراوانی، شاخص های مرکزی، شاخص های پراکنندگی و محاسبه ضریب همبستگی) و آمار استنباطی ( رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان) داده ها تجزیه و تحلیل شدند. یافته های پژوهش نشان داد بین کارکرد خانواده با اضطراب و همچنین بین هوش هیجانی با اضطراب رابطه منفی معنی دار وجود دارد ( $p < 0/01$ ). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هر دو متغیر کارکرد خانواده و هوش هیجانی قادر به پیش بینی اضطراب هستند و در مجموع ۴۳ درصد از واریانس اضطراب را پیش بینی می کنند.

واژه های کلیدی: کارکرد خانواده، هوش هیجانی و اضطراب

\*استادیار روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

[Drsepahmansour@yahoo.com](mailto:Drsepahmansour@yahoo.com)

\*\*استادیار روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

\*\*\*دانشجویی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

[Davaee@yahoo.com](mailto:Davaee@yahoo.com)

[Shamsimohammadi2009@gmail.com](mailto:Shamsimohammadi2009@gmail.com)

## مقدمه

اضطراب<sup>۴</sup> به منزله بخشی از زندگی هر انسان، در همه جوامع، به عنوان یک پاسخ مناسب و سازگار تلقی می گردد. فقدان اضطراب یا اضطراب بیمارگونه ممکن است ما را با مشکلات و خطرات زیادی مواجه سازد. بنابراین وجود اندکی اضطراب می تواند تاثیر مثبتی بر فرایند زندگی و تحول آن داشته باشد، طبیعی است که این نوع اضطراب نه تنها هیچ ضرری برای فرایند رشد انسان ندارد، بلکه امری سازنده و مفید نیز هست. عده ای در مورد بعضی از مسائل هیچگونه عکس العملی از خود نشان نمی دهند اما افراد مضطرب احساس وحشت یا ترس شدید دارند (کتو، بوند و فلکسمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). در تعریف اضطراب آمده است که حالتی فراگیر، ناخوشایند، مبهم و همرا با برانگیختگی دستگاه عصبی خودکار، سردرد، عرق کردن، گرفتگی ماهیچه های سینه و بی قراری است (سادوک و سادوک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). اضطراب نشانه هشدار است و فرد را از خطری نزدیک آگاه می کند و می تواند پاسخ مناسب و در راستای سازگاری فرد باشد (هتما، نیل و کیندلر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸). مطالعات نشان داده که اضطراب رابطه مهمی با یادگیری دارد و اضطراب و فشارهای عصبی ریشه بسیاری از مشکلات جسمی و ناکامی های است که نمی توان آنرا از بین برد و همیشه وجود دارد (هتما، نیل و کیندلر، ۲۰۰۸). به هر روی اضطراب در توانایی تمرکز و حافظه دانش آموزان تاثیر می گذارد، یادآوری مطالب آموخته شده را دشوار و یا غیر ممکن می سازد و اجازه نمی دهد که دانش آموزان توانایی های آموزشی و هوشی واقعی خود را بروز دهند (همبری<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸). فرد در مقابله با اضطراب، علاوه بر پاسخ های رفتاری، پاسخهای شناختی می دهد. این قبیل پاسخها ممکن است بصورت تقلیل توجه و تمرکز، افزایش فراموشی و حواس پرتی، افزایش میزان خطا، تقلیل ظرفیت خلاقیت، غیرقابل پیش بینی شدن سرعت پاسخها، کاهش قدرت سازماندهی و نقصان حافظه کوتاه مدت و بلند مدت آشکار شود (کروفورد، ۲۰۰۱). بیشتر پژوهش های حوزه اضطراب به سبب شناسی آن معطوف بوده اند و دلایل متعددی را به عنوان رفتار حاکی از اضطراب معرفی کرده اند که در این پژوهش کارکرد خانواده و هوش هیجانی به دلیل اینکه در ادبیات پژوهشی گذشته زیاد مورد توجه قرار نگرفته اند، مورد بررسی قرار می دهیم.

اعضای خانواده در هنگام رویارویی با موقعیت های فشارزا و دشوار، اضطراب را تجربه می کنند و این اضطراب موجب ناراحتی، تنش یا نومییدی آنها می شود، موقعیت فشارزا، سامانه خانواده را مختل می کند، مگر اینکه خانواده بتواند با وضعیت تازه خود را سازگار کند. برای اینکه خانواده به کارکرد عادی خود بازگردد به کوشش زیادی برای از میان برداشتن یا حل مشکل نیاز دارد (موسوی، ۱۳۷۹). در تعریف کارکرد خانواده گفته می شود که کارکرد خانواده توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است (پورتس و هاوول<sup>۹</sup>، ۱۹۹۲)؛ به نقل از جوادی، حسینیان و شفیع آبادی، ۱۳۸۸). برای اینکه وظایف اصلی خانواده بهتر صورت گیرد خانواده باید دارای ساخت و

<sup>۴</sup>. Anxiety

<sup>۵</sup>. Keogh, Bond & Flaxman

<sup>۶</sup>. Sadock & Sadock

<sup>۷</sup>. Hettema, Neale & Kindler

<sup>۸</sup>. Hambery

<sup>۹</sup>. Porteth & Hawel

کارکردی سالم باشد (مینوچین و فیشمن<sup>۱۰</sup>، ترجمه بهاری ۱۳۸۸). به نظر دیکستین<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷) برای دستیابی به کارکرد مطلوب در سیستم خانواده باید نقش ها، وظایف و تکالیف در بین همه اعضای خانواده به طور نظامند و هماهنگ، سازمان داده شود. همچنین او معتقد است هماهنگی و توازن، رهبری و رابطه موثر، برای کارکرد بهینه مهم هستند. دی پاول<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۶) نیز برخی از ویژگی های خانواده دارای کارکرد مطلوب را اینگونه عنوان می کند: تعامل ارتباطی باز، کنترل و مهار فشارهای روحی و روانی به طور موثر، همدلی، رهبری، ابراز محبت و علاقه و مسئولیت پذیری شخصی. بدکارکردی خانواده نقطه مخالف کارکرد سالم است. منظومه خانواده دارای کارکرد بد، به حمایت و تقویت نشانگان مرضی، در فرایندهای تعاملی پیشرونده می پردازد و اگر این الگوی تغییر نیابد، نشانگان مرضی از یک عضو به عضو دیگر منتقل می شود (والش<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۲؛ به نقل از ربیعی، ۱۳۸۶).

پیشایند دیگر هوش هیجانی<sup>۱۴</sup> است. هوش هیجانی به عنوان نوعی توانایی، عبارت است از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره هیجان های خود و دیگران (مایر و سالوی، ۱۹۹۷). هوش هیجانی شکلی از هوش اجتماعی است که پیش بینی کننده مناسبی برای کارآمدی در حیطه های خاص نظیر عملکرد شغلی و تحصیلی می باشد و افرادی که دارای هوش هیجانی بالا هستند توانایی بهتری برای مقابله با استرس، اضطراب و فشارهای محیطی داشته و کمتر دچار بیماریهای روانی می شوند (فرنهام<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰). با توجه به نقش و اهمیت هوش هیجانی در زندگی خصوصی و بین فردی مطالعات عدیده بیانگر آن است که زندگی بشر امروز با اضطراب های متعدد و پیچیده های عجین شده است و توانایی مقابله با این اضطراب ها زمینه حفظ و تامین سلامت جسمی، روانی و هیجانی شخص را تامین می کند و ناتوانی در تنظیم هیجانها زمینه بروز بیماریهای متعدد جسمی و روانی را فراهم می سازد، به این ترتیب، روشهای ارتقاء هوش هیجانی را نوعی عامل مهم در شکل گیری سلامت جسمی و روانی اشخاص می توان محسوب کرد (گشتاسبی، ۱۳۷۵). همچنین این تحقیقات نشان داد که نوعاً هوش هیجانی بالاتر، بیشتر به خلق مثبت، بازسازی خلق بعد از القاء خلق منفی منجر می شود. افرادی که هوش هیجانی پایین تری دارند، در مواجهه با اضطراب های زندگی، سازگاری و انطباق ضعیفتری خواهند داشت و در نتیجه بیشتر به اضطراب، ناامیدی و دیگر پیامدهای منفی زندگی مبتلا می شوند. برعکس افرادی که هوش هیجان ی بالا دارند سبک زندگی خود را به گونه ای ترتیب می دهند که پیامدهای منفی کمتری را تجربه کنند. و در ایجاد و حفظ روابط کیفی بالا نیز مهارت دارند. بطور کلی هوش هیجانی با وقایع و پیامدهای زندگی ارتباط دارد و به افراد در فهم و پیش بینی جنبه های گوناگون روزمره کمک کند (سیاروچی، چان، کاپوتی و روبرتس<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۱). اهمیت شناسایی اضطراب و عوامل تاثیر گذار بر آن به این علت است که با توجه به اینکه در جهان کنونی هر فردی بسته به تجربیات و شخصیت خود می تواند کم و بیش اضطراب را تجربه نماید. در گروه کثیری از دانش آموزان در موقعیت های تحصیلی، اضطراب گسترده ای بوجود می آید و موجبات تقلیل کارآمدی تحصیلی و به تبع آن، افسردگی آنها را فراهم کرده و جامعه را از بخش قابل توجهی از نیروی انسانی خود محروم می سازد (هیمن و پرل<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۳). لذا، با توجه به مطالبی که از

<sup>۱۰</sup>. Minuchin & Fishman

<sup>۱۱</sup>. Dixtin

<sup>۱۲</sup>. Dipawel

<sup>۱۳</sup>. Walsh

<sup>۱۴</sup>. Emotional Inteligance

<sup>۱۵</sup>. Furnham

<sup>۱۶</sup>. Ciarrochi, Chan, Capoty & Roberets

<sup>۱۷</sup>. Heiman, & Preel

نظر گذشت، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سوال است که: آیا کارکرد خانواده و هوش هیجانی با اضطراب رابطه دارند؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مونث دوره سوم دبیرستان های منطقه ۱۷ شهر تهران بود. نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. شیوه انتخاب افراد نمونه بدین صورت بود که پس از هماهنگی با آموزش و پرورش منطقه ۱۷ اسامی کلیه دبیرستان های دخترانه این منطقه تهیه شد. سپس به صورت تصادفی از بین کلیه دبیرستان ها ۶ دبیرستان انتخاب گردید. سپس با حضور در هریک از دبیرستان های انتخاب شده تعداد کلاس های سوم آن دبیرستان و تعداد دانش آموزان در حال تحصیل در آن مقطع مشخص شد که تعداد آنها در مجموع ۶۲۴ نفر بود. سپس از این تعداد حجم نمونه بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران در مطالعات همبستگی  $N = \frac{Z^2 pq}{d^2}$  محاسبه شد (سرمد، بازگان و حجازی، ۱۳۷۶). و تعداد ۲۵۲ نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

## ابزارسنجش

۱- ابزار سنجش خانواده (FAD)<sup>۱۸</sup>: این پرسشنامه ۶۰ سوالی توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ (۱۹۸۳) بنا بر الگوی کارکرد خانواده مک مستر برای سنجش کارکرد خانواده تدوین شده است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می سازد و ۶ بعد از کارکرد خانواده را مشخص می کند. این ابعاد از این قرار است: حل مشکل، ارتباط، نقش ها، پاسخ دهی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار. لذا ابزار سنجش خانواده متناسب با این ۶ بعد از ۶ خرده مقیاس برای سنجش آنها، بعلاوه یک خرده مقیاس هفتم مربوط به کارکرد کلی تشکیل شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). نمره گذاری به این صورت است که به هر سوال ۱ تا ۴ نمره با استفاده از این کلید داده می شود. قویا موافق = ۱، موافق = ۲، مخالف = ۳ و قویا مخالف = ۴. به سوال ها یا عباراتی که توصیف کارکرد نا سالم اند، نمره معکوس داده می شود. نمرات کمتر نشانه کارکرد سالم تر است. این ابزار کلید و برگ پاسخنامه ای دارد که فرایند نمره گذاری آن و مشخص کردن سوال های هر خرده مقیاس را نسبتا آسان می کند. این آزمون پس از تهیه توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ<sup>۱۹</sup> در سال ۱۹۸۳ بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا گردید. دامنه ضریب آلفای زیر مجموعه های آن بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ نشان می دهد که از همسانی درونی نسبتا خوبی برخوردار است. در ایران تحقیقات انجام شده بهاری (۱۳۷۹) و گلی زاده (۱۳۸۳) بیانگر پایایی بالای این آزمون است. نجاریان (۱۳۷۴) آزمون مذکور را بر روی ۵۱۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران برابر با ۰/۹۳ گزارش نمود که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۹۱ به دست آمد.

<sup>۱۸</sup>. Family Assesment Divice

<sup>۱۹</sup>. Epstein, Bavoldin & Bishop

۲- پرسش نامه اضطراب بک<sup>۲۰</sup> (BAI): این پرسش نامه توسط بک، اپستین، بروان و استیر در سال ۱۹۹۸ ساخته شد. یک پرسشنامه ی خود گزارش ۲۱ آیتمی است که برای انعکاس شدت علائم جسمی و شناختی افراد در یک هفته گذشته است. این مقیاس به صورت چهار درجه ای از صفر تا ۳ نمره گذاری می شود. در نمره گذاری هر فرد باید فهرست علائم را بخواند و شدت هر علامت را در ستون‌های (اصلاً)، (خفیف)، (متوسط) و (شدید) علامت بزند، این گزینه‌های چهار گانه به ترتیب امتیازهای صفر، ۱ و ۲ و ۳ را به خود اختصاص می‌دهد و بالاترین نمره ای که در آن به دست می آید ۶۳ است. بک و همکاران (۱۹۹۸) همسانی درونی مقیاس را برابر با ۰/۹۲ و اعتبار بازآزمایی یک هفته ای آن را ۰/۷۵ و همبستگی ماده های آن از ۰/۳۰ تا ۰/۷۶ را گزارش کرده اند. صلواتی روایی محتوا، همزمان، تشخیصی و عاملی را برای هر مقیاس بررسی کرده و کارایی بالای این ابزار را در اندازه گیری شدت اضطراب مورد تایید قرار داده است (به نقل از صلواتی، ۱۳۸۰). ضریب اعتبار این پرسش نامه در ایران با روش باز آزمایی به فاصله دو هفته ۰/۸۰ گزارش شده است (صاحبی، میر عبدالمهی و سالاری، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر نیز ضریب الفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۸۶ به دست آمد.

۳- پرسش نامه هوش هیجانی بار - ان (EQ-I)<sup>۲۱</sup>: بار - ان در سال ۱۹۹۹ این پرسش نامه را تدوین کرد. این پرسش نامه دارای ۹۰ سوال بوده و پاسخ های این آزمون بر روی یک مقیاس پنج درجه ای در طیف لیکرت تنظیم شده است. این پرسش نامه از ۵ عامل مرکب شامل ترکیب روابط بین فردی، ترکیب روابط درون فردی، ترکیب مقابله با فشار، ترکیب سازگاری، ترکیب خلق کلی و ۱۵ خرده مقیاس شامل خو داگاهی هیجانی، ابراز وجود، حرمت نفس، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، روابط بین فردی، مس و ولایت پذیری اجتماعی، حل مسأله، آزمون واقعیت، انعطاف پذیری، تحمل استرس، کنترل تکانه، شادکامی و خوشبینی تشکیل است. نحوه نمره گذاری در این پرسش نامه روی یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرتی از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم=۵ و کاملاً مخالفم=۱) و در برخی سوالات با محتوای منفی و معکوس (کاملاً موافقم=۱ و کاملاً مخالفم=۵) انجام می شود. نمره کل آزمون نیز برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس است که حداقل نمره برای آزمودنی ها ۹۰ و حداکثر ۴۵۰ در نظر گرفته شده است. بار - ان (۱۹۹۷) میانگین ضرایب الفای کرونباخ برای همه خرده مقیاس ها را در دامنه ای از ۰/۶۹ (مسئولیت پذیری اجتماعی) تا ۰/۸۶ (حرمت نفس) و میانگین ۰/۷۶ گزارش کردند. در ایران نیز پایایی پرسش نامه توسط بشارت و همکاران (۱۳۸۴) با روش همسانی درونی توسط الفای کرونباخ ۰/۹۳ و با روش زوج - فرد ۰/۸۸ برآورد گردیده است. نتایج مطالعات زوارقی و فتاح زاده نیز در سال ۱۳۸۵ پایایی قابل قبولی را نشان داده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب الفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۸۹ به دست آمد.

<sup>۲۰</sup>. Beck anxiety inventory

<sup>۲۱</sup> Emotional intelligence questionnaire

## یافته ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده پژوهش از روش های آماری در دو سطح توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد) و استنباطی (رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان) استفاده شد.

جدول ۱: فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	شاخص های آماری	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
اضطراب		۲۵۲	۳۵/۳۷	۱۸/۸۲	۱/۰۱
هوش هیجانی		۲۵۲	۲۰۱/۴۷	۳۸/۲۰۹	۳/۶۳
کارکرد خانواده		۲۵۲	۱۱۰/۱۰۳	۲۱/۴۹	۲/۴۸

جدول ۲: ماتریس همبستگی کارکرد خانواده و هوش هیجانی با اضطراب

متغیرها	۱	۲	۳
۱- کارکرد خانواده	۱		
۲- هوش هیجانی	۰/۴۳**	۱	
۳- اضطراب	-۰/۵۶*	-۰/۶۶*	۱

\* p<0/01      \*\* p<0/05

جدول ۲ به ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش می پردازد. همانگونه که مشاهده می شود همبستگی کارکرد خانواده با اضطراب  $r = -0/66^*$  و همبستگی هوش هیجانی با اضطراب  $r = -0/56^*$  می باشد و تمام همبستگی ها در سطح  $0/01$  معنادار است.

جدول ۴: جدول رگرسیون همزمان

مدل	مقدار R	مربع R	مربع R تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۵۳۲	۰/۴۳۶	۰/۴۳۱	۱۱/۳۵۶۵۷

پیش بین ها (ثابت): کارکرد خانواده و هوش هیجانی

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که متغیرهای کارکرد خانواده و هوش هیجانی وارد معادله رگرسیون شده اند که میزان همبستگی آنها با کارکرد خانواده برابر  $0/532$  و مقدار مجذور آر برابر  $0/436$  و مجذور آر تعدیل شده برابر  $0/431$  می باشد بدین معنی که این دو متغیر با هم  $0/431$  از تغییرات اضطراب دانش آموزان مونث را پیش بینی می کنند.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس مربوط به تحلیل رگرسیون با روش همزمان

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح معناداری
رگرسیون	۲۸۸۶۷/۳۵۰	۲	۱۴۴۳۳/۶۷۵	۱۱۱/۹۱۴	۰/۰۰۰
باقی مانده	۲۵۰۲۰/۵۰۷	۲۴۹	۱۰۱/۹۷۲		

پیش بین ها(ثابت): کارکرد خانواده و هوش هیجانی ملاک: اضطراب

جدول ۵ به بررسی معناداری مدل رگرسیون می پردازد که نتایج حاکی از معنادار بودن مدل رگرسیون می باشد که مقدار  $f$  محاسبه شده با  $۱۱۱/۹۱۴$  با درجات آزادی ۲ و ۲۴۹ بزرگتر از مقدار بحرانی می باشد و سطح معناداری کوچکتر از سطح  $۰/۰۱$  می باشد که نشان دهنده معنی دار بودن مدل رگرسیون می باشد.

جدول ۶: ضرایب رگرسیون

مدل	مقادیر استاندارد نشده	مقدار بتا	مقدار $t$	سطح معناداری
	مقدار B	خطای استاندارد		
مقدار ثابت	۱۷/۹۵۷	۴/۸۴۲	۰/۷۰۹	۰/۰۰۰
۱ کارکرد خانواده	-۰/۳۵۹	۰/۰۲۱	-۰/۴۶۷	۰/۰۰۰
هوش هیجانی	-۰/۶۰۲	۰/۱۳۷	-۰/۴۹۶	۰/۰۰۰

جدول ۶ به بررسی معادله رگرسیون می پردازد همانطور که از نتایج مشاهده می شود دو متغیر کارکرد خانواده و هوش هیجانی وارد معادله رگرسیون شده اند. که مقدار بتای مشاهده شده برای متغیر کارکرد خانواده برابر  $۰/۴۶۷$  - و برای متغیر هوش هیجانی برابر  $۰/۴۹۶$  - می باشد، بدین معنی که با یک واحد تغییر در هر کدام از دو متغیر مقدار اضطراب به اندازه ی آن متغیر، تغییر می کند و مقدار  $t$  محاسبه شده برای هر کدام از متغیرها در سطح  $p < ۰/۰۱$  معنادار می باشد، بنابراین با  $۰/۹۹$  اطمینان می توان گفت که هر دو متغیر قدرت پیش بینی اضطراب را دارند.

### بحث و نتیجه گیری

پدیده اضطراب امر جدیدی نیست و انسان ها در همه اعصار و با هر فرهنگی آن را تجربه کرده اند. اضطراب نقش مهمی در زندگی و سلامت انسان ها ایفا می کند(مک دونالد<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۱). در جریان رشد، کودکان و نوجوانان طیف وسیعی از اضطرابها را تجربه می کنند گاه این اضطرابها از آنچنان شدتی برخوردار هستند که زندگی روزمره و تحصیلی آنان را دشوار می سازند. در بعد تحصیلی، دانش آموزی که انگیزه ای برای موفقیت در تحصیل و پیشرفت علمی در خود احساس نکند، موفقیت و عدم موفقیت را امری علی السویه تلقی کرده و علاقه ای به درس و مطالعه نشان نمی دهد، اما اگر از عدم موفقیت احساس اضطراب داشته باشد، سطح کارکرد و در نهایت موفقیت تحصیلی افزایش خواهد یافت. به عبارتی اضطراب نقش مهمی در سلامت، زندگی و موفقیت افراد ایفا می کند(دیویس<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۴). پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه کارکرد خانواده و هوش هیجانی با اضطراب در بین دانش آموزان مونث انجام گرفت. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان می دهد رابطه بین کارکرد خانواده و اضطراب معنادار است و این متغیر اضطراب در بین دانش آموزان را به صورت منفی پیش بینی می کند. بدین معنا که، دانش آموزانی که کارکرد خانواده مطلوبی دارند به مراتب کمتر دچار کمتری می شوند. این یافته با تحقیقات محمد امینی(۱۳۸۷)، معین، عباسی، جاهدی، و دست غیب (۱۳۹۰)، ابراهیمی(۱۳۸۶) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می توان بیان داشت که خانواده اولین نهادی است که انسان را از موجود کاملاً زیستی به

<sup>۲۲</sup>. Macdonald

<sup>۲۳</sup>. Davis

انسان اجتماعی مبدل می‌کند و جوابگوی نیازهای اساسی و اجتماعی او می‌شود. خانواده به انسان هویت می‌دهد و باورها و هنجارها را در انسان به وجود می‌آورد. خانواده قوانین اجتماعی، احترام اجتماعی و حتی تعصبات و پیش‌داوری‌ها را به انسان یاد می‌دهد و علاوه بر اجتماعی کردن انسان مجموعه‌ای از نیازهای او را ارضا می‌کند مانند نیاز به امنیت و تعلق (اسلامی، ۱۳۸۰). اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه‌ای وابسته به سلامت و رشد خانواده‌های آن است و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدیدآمده باشد (ربیعی، ۱۳۸۶). خانواده دارای کارکرد مطلوب، یک منظومه باز است که اعضای خانواده به طوری عاطفی به هم پیوسته‌اند ولی با این وجود، برای گسترش هویت فردی خود تشویق شده‌اند. فضای چنین خانواده‌ای مملو از عشق و پذیرش بی‌قید و شرط هر عضو خانواده است. در نتیجه این عشق و پذیرش خانواده می‌تواند تعارض و اضطراب را تحمل کند و وقتی اعضا نیازمند کمک هستند، با میل و رغبت درخواست آنان را اجابت نماید (پیکرستان، ۱۳۸۰).

بد کارکردی خانواده نقطه مخالف کارکرد است. در مقایسه با خانواده سالم، سیستم خانواده بد کارکرد، بسته است و اعضایش از لحاظ عاطفی به حال خود رها شده، سرد و جدا از هم‌اند. هر چند که بد کارکردی خانواده‌ها گوناگون می‌باشد، در برخی خانواده‌ها مرزهای بین اعضا، سخت است و خانواده سرد و رها شده به نظر می‌رسد، در سایر خانواده‌ها، مرزهای درون سیستم خانواده روشن نیست و خانواده بهم تنیده یا گرفتار است. در خانواده بد کارکرد، عشق مشروط است و اعضای خانواده بر گسترش هویت فردی شان، مورد تشویق واقع نشده‌اند، خانواده تعارض را تحمل نمی‌کند و از قبول مشکل و یا انجام کمک خودداری می‌کند. به نظر می‌رسد که مشکلات ادامه یابند یا به شکل‌های دیگری بروز می‌کنند. منظومه خانواده دارای کارکرد بد، به حمایت و تقویت نشانگان اضطرابی، در فرایندهای تعاملی پیش‌رونده می‌پردازد. اگر الگوی بد کارکردی تغییر نیابد، نشانگان مرضی از یک عضو به عضو دیگر منتقل می‌شود (والش، ۱۹۸۲؛ به نقل از ربیعی، ۱۳۸۶).

همچنین مطابق با تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته بین هوش هیجانی و اضطراب سبک رابطه معنادار وجود دارد و این متغیر اضطراب را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. بدین معنا که دانش‌آموزانی که هوش هیجانی بالایی دارند به مراتب کمتر دچار اضطراب می‌شوند که یافته‌های این پژوهش‌های سالوی، مایر، گلدمن و همکاران (۱۹۹۵)، سیاروچی، چن و بیجگار (۲۰۰۱)، لیائو و تئو (۲۰۰۳)، منین، هیمبرگ و ترک (۲۰۰۵)، وان روی، ویس و زواران (۲۰۰۴)، سالوی و گروال (۲۰۰۵)، بروان واسکاتی (۲۰۰۶) همسو است.

بنابر نظر سالوی و مایر (۱۹۹۷) یکی از فواید مهم توانایی تنظیم هیجان، بهبود هیجانات منفی و پرورش هیجانات خوشایند و مثبت است. بنابراین افرادی که در تنظیم هیجانات خود مهارت دارند از توانایی بیشتری جهت جبران حالات هیجانی منفی از طریق شرکت در فعالیت‌های خوشایند، برخوردارند و توانش‌های هیجانی در تعدیل اضطراب و سلامت روان، نقش مهمی دارند. برخی اشکال هوش هیجانی فرد را از اضطراب مصون داشته و منجر به سازگاری بهتر می‌شود. برای مثال توانایی کنترل هیجان با گرایش به حفظ خلق مثبت ارتباط دارد و منجر به پیشگیری از حالات اضطرابی می‌شود (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱). در همین راستا باستاین، برنس و نتلبک (۲۰۰۵) گزارش کردند که افراد دارای آسیب‌های روان‌شناختی در تشخیص و توصیف تفاوت بین محرک‌های عاطفی نقص دارند. یعنی این افراد قادر نیستند از مهارت‌های هوش هیجانی خود استفاده کنند و لذا به احتمال زیاد برای مدیریت روحیه و خلق خود از روش‌های دیگری که اثربخشی کمتری دارند، بهره‌می‌گیرند در نتیجه احتمال دارد که آنها دو برابر بیشتر از دیگران مضطرب، افسرده و یا معتاد شوند و حتی افکار خودکشی به سرشان بزنند. علاوه بر این، تبیینی که در این رابطه وجود دارد این است که هوش هیجانی با دو گستره مهم خلق و خو یعنی



عاطفه مثبت (احساس لذت، اشتیاق و علاقه مند.....) و عاطفه منفی (اضطراب، احساس خصومت و نارضایتی و.....) نیز رابطه دارد. افراد با خلق منفی به علت ثبات تجربه هیجانی گرایش دارند که چنین حالاتی ممکن است درک واقعی آنچه را که احساس می شود با مشکل مواجه سازد، در حالیکه افراد با خلق مثبت، گرایش بیشتری به خوش بینی درباره توانایی هایشان دارند؛ و بنابراین، خود را از لحاظ توانمندی هیجانی، مثبت ارزیابی میکنند و افرادی که توانایی تشخیص، کنترل و استفاده از این توانشهای هیجانی را دارند از حمایت اجتماعی، احساس رضایت مندی سلامت روانی بیشتری برخوردار خواهند شد. به طور کلی افرادی که نشانه های اضطراب بیشتری تجربه می کنند درک کمتری از ماهیت هیجانهای خود دارند و از سوی دیگر توان کمتری نیز برای فایق آمدن بر تجارب هیجانی منفی دارند (ریلی و شوت، ۲۰۰۳).

پژوهش حاضر دارای محدودیت جمعیت شناختی بود به طوری که افراد شرکت کننده در آن همگی دانش آموز و مونث بودند که تعمیم یافته های پژوهش حاضر به سایر جامعه فراگیران باید با احتیاط صورت گیرد بنابراین پیشنهاد می شود مطالعات مشابهی در ستیر فراگیران نیز انجام شود. مطالعه حاضر به صورت مقطعی انجام گرفت، پیشنهاد می شود برای درک عوامل تأثیر گذار بر میزان اضطراب دانش آموزان مطالعات طولی مشابهی در این زمینه انجام شود و همچنین نقش متغیرهای مورد مطالعه در اضطراب در پژوهش های آزمایشی مورد بررسی قرار گیرد.

Archive of SID

## منابع

- ابراهیمی، جواد. (۱۳۸۶). مقایسه کارکرد خانواده و سلامت روانی فرزندان در خانواده های تک همسری و دو همسری شهرستان خواف. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اسلامی، عبدالله. (۱۳۸۰). بررسی ساختار تعاملات خانواده (کارکرد خانواده) با سبک های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت های جنسیتی در دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی شهر کاشان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- بشارت، محمد علی؛ رضا زاده، سیدمحمد رضا؛ فیروزی، منیژه؛ و حبیبی، مجتبی. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر هوش هیجانی بر سلامت روان و موفقیت تحصیلی در مرحله انتقال از دبیرستان به دانشگاه. مجله علوم روان شناختی، دوره چهارم، شماره ۱۳.
- بهاری، فرشاد. (۱۳۸۸). دیدگاه اکوسیستمی در مشاوره خانواده. تهران: انتشارات تزکیه.
- بهاری، فرشاد. (۱۳۷۹). ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوج های طلاق و زوج های در حال طلاق مرجوعی به بخش روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی کشور. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- پیکرستان، عباسعلی. (۱۳۸۰). مقایسه کارکرد خانواده های دارای دختران نوجوان فراری و خانواده های دارای دختران نوجوان عادی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۷۹). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- جواد، بهناز، حسینیان، سیمین، و شفیق آبادی، عبدالله. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط. محاوره ای به مادران بر بهبود عملکرد خانواده آنان. فصلنامه خانواده پژوهی، ۲۰، ۳۵.
- صاحبی، علی؛ میرعبدالی، عفت السادات و سالاری، راضیه. (۱۳۸۰). هنجاریابی مقیاس اضطرابی، افسردگی و استرس دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. طرح پژوهش، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- گشتاسبی، محمود. (۱۳۷۵). رابطه بین عزت نفس، انگیزش و هوش با پیشرفت تحصیلی در بین دانش آموزانی که به دوره پیش دانشگاهی راه یافته اند و مقایسه آن با دانش آموزانی که به این دوره راه نیافته اند. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مجتهدی ملکی، محترم. (۱۳۷۷). بررسی رابطه بین اضطراب امتحان و معدل شاگردان و تأثیر روش شناخت درمانی بر کاهش میزان اضطراب امتحان شاگردان دختر سال سوم نظام جدید شهرستان ملکان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- معین، لادن، عباسی، زهرا، جاهدی، سهیلا و دست غیب، فیروزه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با ویژگی های شخصیت و خودکارآمدی نوجوانان. مجموعه مقالات دومین همایش ملی روانشناسی - روانشناسی خانواده. مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- موسوی، اشرف السادات. (۱۳۷۹). کارکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده. مجله اندیشه و رفتار، ۲ و ۳، ۸۷-۹۶.

- Bar- On R. (199). The emotional Quotient Inventory (EQ-I); A measure of emotional intelligence. Toronto: Multi- Health systems.

- Bar-on, R. (2000). Emotional and social intelligence: Insights from the Emotional Quotient Inventory (EQI). In: Bon R, Parker JDA, editors. Hand book of

Emotional Intelligence. San Francisco: Jossey-Bass.

- **Bar-on, R., & Parleer, D. (2000).** The handbook of emotion intelligence. San Francisco: Jossey-Bass Books.

- **Bastian V.A., Burns N.R., Nettelbeck T. (2005).** Emotional intelligence predicts life skills, but not as well as personality and cognitive abilities. *Personality and Individual Differences*, 39(6):1135-45.

- **Beck AT, Epstein N, Brown G, Steer RA. (1998).** An inventory for measuring clinical anxiety: psychometric properties. *Journal of Cognitions and Clinical Psychology*, (56): 893-897.

- **Ciarrochi, J. V., Chan, Y. A., & Bajgar, J. (2001).** Measuring emotional intelligence in adolescents. *Journal of Personality and Individual Differences*, 31, 1105-1119.

- **Crawford, A. M. (2001).** Familial predictors of treatment outcome in childhood anxiety disorder. *Journal of American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 40, 1182-1189.

- **Davis, R. (2004).** Test anxiety, susceptibility to distraction and examination performance. *Anxiety, Stress & Coping*, 17, 241-25.

- **Dickstein, S. (2007).** Family mealtime functioning, maternal depression, and early childhood outcomes. *Journal of Family Psychology*, 12, 23-40.

- **Furnham, A. (2000).** Gender differences in measured and self – estimated trait emotional intelligence. *Sex roles: a journal of research*. 42, 449-461.

- **Heiman, T., & Preel, K. (2003).** Students with learning disabilities in higher education. *Journal of Learning Disabilities*, 36:248-258.

- **Hembree, R. (1988).** Correlates, causes, effects and treatment of test anxiety. *Review of Educational Research*, 58, 47-77.

- **Hettema, J. M., Neale, M. C., & Kindler, K. S. (2008).** A review and meta analysis of the genetic epidemiology of anxiety disorder. *American Journal of Psychiatry*, 158:1568-1578

- **Keogh, E., Bond, F. W., & Flaxman, P. E. (2006).** Improving academic performance and mental health through a stress management intervention: Outcomes and mediators of change. *Behavior Research and Therapy*, 44, 330-357.

- **Mayer, Y.D., & Salovey, P., (1990).** Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 1990; 9: 185-211.

- Mayer J D, Salovey P, Caruso D. Emotional Intelligence as zeitgeist, as personality, and mental ability. In: BarOn R, Parker James D. A, editors. *The Handbook of Emotional Intelligence*. San Francisco: Jossey-Bass, Wiley company; 2000. pp. 92-117.

- **Riley, ., & Schutte, N. S. (2003).** Low emotional intelligence as a predictor of substance-use problems. *Journal of Drug Education*, 33(4): 391-8.

- **Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2003).** *Synopsis of psychiatry (9th. ed.)*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.